

## به مناسبت جنبش تاریخی سوم عقرب

ای روز سرخ جاودان آغاز پیکار نوین  
خون شهیدانت بجاست تا رزم فتح آخرین

ای مظهر نیروی خلق ، برهمزن نظم کهن  
خلق وطن در نور تو ویران کند کاخ قرون

ای روز سرخ جاودان آغاز پیکار نوین  
خون شهیدانت بجاست تا رزم و فتح آخرین

از خون محراب و حسن ، وز خون رحمن و فرید  
از خون سیدال و اصیل ، وز خون صدهاتن شهید

افراشته گردد بیرق گلگون سرخ انقلاب  
آتش بپا خیزد کهن در خاک و خون سازد خراب

ای روز سرخ جاودان آغاز پیکار نوین  
خون شهیدانت بجاست تا رزم و فتح آخرین

از سه عقرب آتش آمد پدید و بی امان  
اندیشه نو بهر خلق باخود آورد ارمان

کاریگرودهقان بیاست در رزم و پیکار نوین  
بنیان گردنیای نو بنیان نهاد نظم نوین

ای روز سرخ جاودان آغاز پیکار نوین  
خون شهیدانت بجاست تا رزم و فتح آخرین

خشم کهن بیرون شد چون جوش آتشفشان  
از پای قصر ظلم را آتش زند تا آسمان

ای پاسدار بردگی مردم کند گورترا  
در هم بکوبد بی امان زندان است شمارا

ای روز سرخ جاودان آغاز پیکار نوین  
خون شهیدانت بجاست تا رزم و فتح آخرین

سوم عقرب یکی از روزهای تاریخی جنبش ملی و دموکراتیک کشور ما بوده و نقطه ای عطفی است در جنبش آزادیخواهی و جنبش ملی دموکراتیک کشور ما. در این روز محصلان پوهنتون کابل، شاگردان مکاتب و بسیاری از اهالی شهر کابل در دوران صدارت داکتر یوسف همچون سیل خروشان به کوچه و بازار سرازیر شده و تظاهرات عظیمی بر ضد رژیم سلطنتی برپا نمودند. در این تظاهرات به اثر حمله دولت فنوئال کمپرادور وابسته به امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم، چندین نفر شهید و زخمی گردیده و صدها تن دیگر زندانی گردیدند. خاطر تابناک این روز تاریخی در اذهان تمام انقلابیون کشور زنده بوده و در تاریخ مبارزات پرشکوه خلقهای کشور ما به خط جلی و زرین درج گردیده است. دولت سلطنتی فنوئال - کمپرادور افغانستان نماینده منافع امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم به سرکردگی ظاهرشاه با نافذ ساختن قانون اساسی که توسط لویه جرگه انتصابی شان از هجدهم تا بیست و هشتم ماه سنبله 1343 تصویب گردیده بود، در نهم میزان (1343) گویا به مردم رنجدیده افغانستان شفقت کرده و "دموکراسی" اعطا نمودند. این دموکراسی که هیچگونه صبغه ملی، مردمی و ارزشهای دموکراتیک و مترقی نداشت و نمیتوانست داشته باشد، جز حیل و ترفند جدید طبقات حاکمه برای فریب و اغوای توده های مردم چیزی دیگری نبود، تا از یک طرف بابسیج و سازماندهی نیروهای سیاه ارتجاعی جلو هرگونه مبارزه انقلابی توده ها را سد کرده و مبارزات شان را در چوکات قانون اساسی خود ساخته و خود پرداخته خود (که جز منافع طبقاتی خودشان، منافع هیچ طبقه و قشر دیگری را در کشور دربر نداشت) نگه دارند و از طرف دیگر دولت دیکتاتوری طبقاتی وابسته به امپریالیسم را در اذهان مردم «دموکرات» جلوه داده و چند صباحی به نوع دیگر، در زیر نام باصطلاح "دموکراسی" کارگران،

دهقانان و سایر زحمتکشانشان را استثمار نموده و از شیر جان شان باز هم هر چه بیشتر تغذیه نمایند و عمر نکبت بار خود را طولانی سازند؛ اما غافل از اینکه ماهیت اصلی این "دموکراسی کاذب وقلابی" و "پارلمان فرمایشی" در نزدتوده ها، در همان روز اول انتخاب صدراعظم افشاگردید. در روز سوم عقرب 1344 (25 اکتبر 1965) با وجود اعلان رسمی دولت مبنی بر اینکه هرکسی میتواند داخل پارلمان شود و سخنرانی و کلا را گوش کند، از ورود اهالی شهر کابل که اکثریت شان را روشنفکران تشکیل میدادند، در شورا جلوگیری به عمل آمد. زمانیکه مردم روی خواسته های شان با فشاری کردند. دولت از ارگان های سرکوبگر خود چون پولیس و عسکر استفاده نموده و به امر جلا سردار ولی داماد و پسر کاکای ظاهر شاه و جلا عبدالقیوم وزیر داخله، نیروهای پولیس و عسکری وحشیانه به جان مردم بی دفاع افتیده زدو خورد شدیدی بین مردم و نیروهای سرکوبگر دولت صورت گرفت. تعدادی از شرکت کنندگان این صحنه خونین به طرف پوهنتون و مکاتب روان شده و از جریان واقعه به دیگران خبر دادند، همان بود که یک تعداد زیاد محصلان و شاگردان مکاتب و اهالی شهر کابل چون سیل خروشان به طرف شورا ی نام نهاد روان شدند. بعد از برخورد شدید با پولیس و عسکر در نزدیک مکتب حبیبیه مظاهره کنان به طرف شهر روان گشتند و از آنجا دوباره بطرف کارته چهار روان شده و خانه دوکتور یوسف "صدراعظم" وقت را به محاصره کشیده و خواهان محکمه قاتلین این روز شدند که باز هم منجر به زدو خورد شدیدی بین طرفین گردید. از یک طرف صدای ماشیندارها (مسلسل ها) و صدای چرخهای تانک های ارتش که در پیشانی آن مهر دولت سوسیال امپریالیستی شوروی حک شده بود و از طرف دیگر صدای ناله و فریاد زخمیان که خون های پاک شان سنگ فرشهای جاده هارا رنگین ساخته بود بگوش میرسید. با وجود حملات وحشیانه دولت، مردم بی دفاع قادر شدند، ماموریت کارته چهار رابه تصرف در آورده و کسانی را که در همان روز زندانی شده بودند آزاد نمایند. در این حادثه خونین چندین نفر شهید گردید که از جمله میتوان از (فرید، حکیم و حسن قهرمان نام برد) و همچنان دهها نفر دیگر زخمی گردیدند. درحالیکه از این روز تاریخی 45 سال میگذرد، اما دستاوردهای این روز راجنبش ملی و دموکراتیک کشور ما با خود حمل میکند. بعد از سوم عقرب 1344 جنبش ملی - دموکراتیک کشور، برخلاف جنبش های آزادی خواهانه قبلی توانست مرز بندی نسبتاً دقیقی با دشمنان خود نموده و با تحلیل از اوضاع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور، میرفت که خود را آهسته آهسته بهتر بسیج و ساز ماندهی نماید و در وقت کم دامنه جنبش تمام طبقات مردمی، کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهر و ده را فرا

گرفت. همچنان از این روز به بعد برای خلق ما روشن گردید که " آزادی و دموکراسی" را نمیتوان از طبقات حاکم ارتجاعی از طریق " پارلمان" و انتخابات فرمایشی به دست آورد، بلکه با مبارزه انقلابی و سرنگونی قهری طبقات حاکمه و قطع سلطه امپریالیسم و خرد کردن ماشین طویل و عریض کهنه دولتی میتوان به سعادت همیشگی و واقعی دست یافت. یکی دیگر از مشخصات این روز این است که جنبش ملی دموکراتیک شناخت نسبی از ماهیت استعمار نوین شوروی بعد از به قدرت رسیدن باند خروشچف در سال 1953 پیدانموده و به افشای سیاست های استعماری و امپریالیستی شوروی پرداخت و تا حد توان نقاب از چهره مزدوران کثیف و وابستگان بومی شان یعنی دارودسته " خلق و پرچم" برداشت و وابستگی این باند وطن فروشان و خائنین به خلق را به دولت شوروی و دولت ارتجاعی ظاهر شاهی (که پایه های مادی شان در جامعه همان بورژوازی بروکراتیک بود) افشأ و بر ملا نمود.